

امکان سنجی بازنگری در قوانین موضوعه جهت الزامی شدن ثبت نکاح موقت

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

آمینا رئیس پور

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

چکیده

نکاح موقت نوعی ازدواج اسلامی است که صرفاً در شریعت مقدس اسلامی و بنابر حکمت متعالی پیش بینی شده است و قانونگذار ایرانی نیز به تبعیت از فقه امامیه این نهاد حقوقی را در قانون گمارده است و شرایطی چون تعیین مدت و مهریه برای صحت آن برشمرده شده است. لکن ثبت نکاح موقت در قانون الزامی نیست و صرفاً با ایجاد شرایطی ثبت آن الزامی می گردد. همین امر موجب گردیده تا مشکلاتی در خانواده ها، اجرای قوانین و... به وجود آید. مقاله حاضر نیز با توجه به اهمیت موضوع با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره گیری از اسناد کتابخانه ای به بررسی این امر و ارائه ادله ای برای اصلاح در متن قانون جهت الزامی شدن نکاح موقت پرداخته است. در ابتدا به معنانشناسی نکاح موقت پرداخته شد و سپس به بحث اصلی یعنی ثبت نکاح موقت و ادله ای برای الزامی شدن ثبت آن پرداخته شد.

واژگان کلیدی: ثبت نکاح موقت، حقوق خانواده، متعه، نکاح موقت



مقدمه

نکاح موقت ازدواجی است که برای مدت معین (ماده ۱۰۷۵، ۱۰۷۶ ق، م) و با مهریه تعیین شده (ماده ۱۰۷۷، ق، م) صورت می‌گیرد. در واقع مقتضای ذات عقد موقت، محرمیت زن و مرد برای مدت معین است. این نوع ازدواج از نظر قانونگذار و از نظر احکام دینی مورد حمایت واقع شده و در نتیجه کاملاً مشروع و قانونی است. در نکاح موقت به لحاظ عرفی و قانونی ضابطه‌ای برای تعیین مدت مشخص نگردیده و زوجین بر مبنای تصمیم خود مدت را مشخص می‌کنند. در این باره مساله حائز اهمیت لزوم تعیین مدت و تعیین مهریه است، و از طرفی مشخص بودن مدت یکی از اساسی‌ترین تفاوت‌های نکاح موقت و نکاح دائم است. بنابراین عدم تعیین مدت و مهریه و یا مجهول بودن آن سبب بطلان عقد نکاح می‌شود. در قوانین موضوعه ایران ثبت نکاح موقت جز در موارد خاصی الزامی نمی‌باشد، لذا در مقاله حاضر بر آنیم تا ادله‌ای برای ضروری بودن ثبت نکاح موقت ارائه کرده و در جهت اصلاح قوانین موضوعه گامی برداریم.

بخش اول: معناشناسی

در این قسمت به معناشناسی واژه نکاح موقت از نظر لغوی، اصطلاحی در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

بند اول: لغت‌شناسی

واژه نکاح به معنای تزویج، کابین کردن، شوی کردن، شوهر کردن و عقدی که میان زن و شوهر ببندند (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳/ص ۲۰۵۸). از دیگر معانی نکاح، عقد زناشویی بستن و زناشویی کردن است (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۷: ج ۱/ص ۱۹۷۱). معنی دیگری که می‌توان برای نکاح بر شمرد، عقد ازدواج و زناشویی است، (فرهنگ عمید، ۱۳۷۵: ج ۳/ص ۲۴۱۲). واژه موقت به معنای هنگام معین، ثابت و محدود، هر جایی که دارای وقت معین باشد، میقات و ناپایدار است (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳/ص ۱۹۲۷۱). از دیگر معانی موقت، چیزی که وقتش معین شده، آنچه که در مدتی معین و محدود به جای می‌ماند و سپس زائل می‌شود (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۷: ج ۱/ص



۱۸۵۵). واژه موقت را میتوان، وقت معین شده و هنگام مقرر معنا کرد (فرهنگ عمید، ۱۳۷۵: ج ۳/ ص ۲۳۳۸). با توجه به معانی واژه‌های نکاح و موقت از فرهنگ لغت‌های مذکور، می‌توان واژه نکاح موقت را این چنین معنا کرد، نکاح موقت، عقد زناشویی، عقد ازدواج و عقدی است که میان زن و شوهر در مدت معین، ثابت، محدود و مدتی که ناپایدار است منعقد می‌شود و سپس زائل می‌شود. بنابراین نکاح موقت پیوند رابطه زناشویی و ایجاد رابطه محرمیت برای مدت معین است که پس از انقضاء مدت رابطه زوجیت منتهی می‌شود.

بند دوم: اصطلاح حقوقی

نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معین واقع شده باشد و هرگاه در نوع نکاح اختلاف باشد، نکاح دائم محسوب می‌شود. اگر در نکاح منقطع مدت ذکر نگردد و قصد طرفین نکاح منقطع باشد عقد باطل است ولی هرگاه مقصود طرفین معلوم نباشد، ظاهر این است که به نکاح دائم نظر داشتند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: جلد ۱/ ص ۶۵۹). نکاح وقتی منقطع است که متضمن مدت باشد و این مدت باید کاملاً روشن و خالی از ابهام باشد. بدین معنا که حتماً باید ابتدای آن از زمان انعقاد عقد و انتهای آن نیز معلوم باشد. موقت بودن عقد نکاح مستلزم ذکر مدت است و در صورت شک، اصل عدم ذکر مدت است (شیروی، ۱۳۹۵: ج ۱/ ص ۱۴). نکاح منقطع از جهات بسیاری همانند نکاح دائم است. شرایط و موانع نکاح منقطع همان است که در نکاح دائم ذکر شده است. آثار آن هم اصولاً جز در مورد نفقه و ارث همانند آثار نکاح دائم است. تعیین مدت در نکاح منقطع شرط لازم و ضروری است. پس اگر مدت در نکاح منقطع ذکر نشود، بی‌شک نکاح منقطع واقع نخواهد شد. چرا که ذکر مدت است که آن را به متعه اختصاص می‌دهد (صفایی و امامی، ۱۳۹۹: ج ۱/ ص ۳۹).



بخش دوم: نکاح موقت

ازدواج موقت در بین شیعیان مشروعیت دارد و یکی از ویژگی‌های خاص مذهب شیعه است، در صورتی که سایر مکاتب فقهی این نوع ازدواج را مجاز نمی‌دانند. ایجاب و قبول عقد موقت مانند عقد دائم است با این تفاوت که مدت معین و مهر معین باید در عقد نکاح موقت ذکر شود. اگر به این شروط عمل نشود بر خلاف نکاح دائم، عقد باطل است (امینی و آیتی، ۱۳۸۵: ج ۱/ص ۴۶۶). نکاح منقطع را نکاح متعه و نیز نکاح مدت‌دار می‌نامند در نکاح منقطع ذکر مهر شرط است. بنابراین اگر اسمی از مهر برده نشود عقد باطل است و در مهریه آن معتبر است که چیزی باشد که مالیت داشته باشد حال آنکه عین خارجی، کلی در ذمه و یا منفعت باشد. علاوه بر ذکر مهر ذکر مدت نیز شرط است اگر عمداً یا سهواً مدت در عقد ذکر نشود عقد به عنوان انقطاعی باطل می‌شود و به عنوان عقد دائم منعقد است و ناگزیر باید زمانش معین باشد به طوری که از زیاده و نقصان محفوظ باشد (امام خمینی، ۱۳۶۸: صص ۵۹۴-۵۹۳)

نکاح منقطع از مختصات قوانین خانواده در ایران است و چنین تاسیسی در قوانین سایر کشورها وجود ندارد. این قانون از دیدگاه مذهب جعفری از جمله قوانین درخشان اسلام محسوب شده که به منظور شکل بخشیدن به روابط آزاد زن و مرد و جلوگیری از روابط نامشروع و حفظ صیانت جامعه از فحشا جعل گردیده است. در نکاح منقطع تصمیم زن و مرد بر این مبناست که به طور موقت ازدواج کنند و پس از انقضای مدت از هم جدا شوند. در این گونه ازدواج موقتی بودن جز ذات و ماهیت آن است، لذا باید مدت به نحو روشن و دقیق ذکر شود. علاوه بر تعیین مدت تعیین مهریه هم شرط است عدم ذکر مهریه در نکاح منقطع موجب بطلان عقد است (محقق داماد، ۱۳۶۵: ج ۱/صص ۲۱۹-۲۱۲) با توجه به اینکه در کشور ما مطابق ماده ۱۰۷۵ الی ۱۰۷۷ ق.م. نکاح موقت هم مشروع و هم قانونی است، ولی ثبت آن الزامی نبوده چرا که قانونگذار ثبت آن را ضروری ندانسته و برای عدم ثبت آن ضمانت اجرایی در نظر نگرفته است. آنچه که تحت عنوان نکاح موقت صورت می‌گیرد، در هیچ دفتر ازدواجی ثبت نشده و هیچ قرارداد و تعهد کتبی بین زوجین صورت نمی‌گیرد. با توجه به عدم ضرورت ثبت نکاح موقت قانونگذار در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مواردی را پیش



بینی کرده که در صورت تحقق یکی از این موارد ثبت نکاح موقت الزامی است. یکی از استثنائات پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده جهت ثبت نکاح منقطع، بارداری زوجه است. در خصوص بارداری زوجه، صرف انعقاد نطفه برای ثبت نکاح موقت کفایت می‌کند و ضرورتی ندارد که ثبت را موکول به تولد فرزند کرد. علت الزام ثبت نکاح در این مورد به جهت حفظ نسب و حفظ حقوق و تکالیف طفلی است که از این نوع نکاح متولد می‌شود (میرکمالی، ۱۳۹۸). کودک متولد شده از نکاح منقطع از نظر قانون مشروع بوده و از تمام شئونات و تکالیف حقوقی برخوردار خواهد بود. توافق طرفین را می‌توان یکی دیگر از استثنائات ثبت نکاح موقت برشمرد که در بند ۲ ماده ۲۱ ق.ح.خ به مورد توجه قرار گرفته است. در این مورد زوجین پس از همفکری و مشورت با یکدیگر بر مبنای توافق تصمیم به ثبت نکاح موقت می‌گیرند. بنابراین توافق مذکور، توافقی است که پس از عقد بین طرفین صورت می‌گیرد که در این شرایط مرد ملزم به ثبت نکاح می‌شود. در جوامع امروزی غالباً پیوند ازدواج به صورت دائم شکل می‌گیرد. از دیگر استثنائات ذکر شده در بند ۳ قانون مذکور، شرط ضمن عقد است. با توجه به اینکه ثبت نکاح موقت اصولاً الزامی نیست ولی در صورتی که زوجین ضمن عقد نکاح موقت شرط کنند که عقد منعقد شده را ثبت کنند، مطابق شرط ذکر شده، الزاماً نکاح منقطع باید ثبت شود. همچنان که بنیان تشکیل خانواده بر مبنای نکاح دائم است ولی از تمایل بعضی افراد به ازدواج موقت نباید غافل شد. قانونگذار در اصل دهم قانون اساسی تصریح می‌دارد: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. زن و مرد از طریق نکاح، کانونی را به نام خانواده ایجاد می‌کنند و قانونگذار در جهت ایجاد تعادل در حقوق و تکالیف آنها و رفع نیازهای متعارف و منطقی قوانینی را وضع نموده که زوجین باید از آن پیروی کنند. نکاح چه به صورت دائم و چه موقت باید بر مبنای گزاره‌های حقوقی بنا شده و حریم آن حفظ شود، چرا که بی‌تفاوتی نسبت به حقوق و تکالیف یکدیگر می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری به زوجین و اساس زندگی وارد نماید. از نظر علم جامعه‌شناسی نکاح، رابطه جنسی مرد



و زن جنبه‌ای از یک نیاز کلی است که نهاد ازدواج نمونه و موردی بارز از آن را به نمایش می‌گذارد. بنابراین نیازهای کلی با تمتع مادی، ارزش‌های اجتماعی چون حیثیت فرد و حقوق و وظایف ارتباط می‌یابند (الیاسی، ۱۳۷۰: ج ۱/ص ۷۰). از نظر علم روانشناسی ازدواج عبارت است از پیوند بستن دینی و رسمی یک زن و مرد برای شروع زندگی جدید و مشترک و پدیده‌ای است که نقش بسزایی در تداوم بشر، پیراستگی و شخصیت بخشی مردان و زنانی دارد که هسته اصلی اجتماعات انسانی‌اند (اسدی کرم، ۱۳۹۱).

بخش سوم: ادله الزامی شدن ثبت نکاح موقت

با توجه به اینکه نکاح منقطع صورت گرفته بین زوجین ثبت نمی‌شود و زوجین تمایل به پنهانی بودن رابطه دارند، لذا به تبع آن مشکلاتی نیز ایجاد می‌شود که به بررسی آنها خواهیم پرداخت. یکی از مشکلات ایجاد شده در جامعه در پی عدم ثبت نکاح موقت، رواج رابطه نامشروع و زنا است که این مساله دربرگیرنده آسیب‌ها و آفت‌ها زیادی بوده و به گسترش فساد و فحشا در جامعه دامن می‌زند. هنگامی که در جامعه رابطه نامشروع و زنا گسترش یابد، به دنبال آن معضلات اجتماعی، نقض حریم خصوصی و فروپاشی نظام خانواده مطرح می‌شود. در خصوص زنا مطرح شده در محکمه که یکی از پرچالش‌ترین موضوعاتی است که همیشه در محکمه مطرح بوده، اصولاً طرفین به جهت اینکه در دام قانون و اعمال مجازات گرفتار نشوند، ادعای نکاح موقت را مطرح می‌کنند و دادگاه به استناد ادعای مطرح شده و به جهت حفظ حیثیت طرفین، از اعمال مجازات قانونی اجتناب می‌کند. از دیگر مشکلات و ایرادات عدم ثبت نکاح موقت می‌توان تنوع طلبی و عدم پایبندی را برشمرد. با توجه به اینکه تعدد زوجات و اختیار مرد نسبت به نکاح دائم و چهار زن به صراحت در قانون نیامده است ولی تلویحاً از برخی مواد قانون مدنی از جمله ماده ۹۰۰، ۹۴۲، ۹۰۱ و ۱۰۴۹ ق.م که در باب ارث و موانع نکاح بوده می‌توان رایج بودن تعدد زوجات را استنباط کرد که در این صورت مرد ملزم به ثبت نکاح می‌شود (رفیعی، ۱۳۸۹). و همچنین خداوند در آیه سوم سوره مبارکه نساء میفرماید: مردان می‌توانند با چهار زن دائم در یک زمان ازدواج نمایند و در ازدواج موقت محدودیت عددی ندارند (احمدی فرو



کاکاوند، ۱۴۰۰). ولی در نکاح موقت به دلیل عدم ثبت آن سبب می‌شود که زن و مرد بر مبنای تنوع طلبی و لذت جویی با افراد بیشتری رابطه نامشروع برقرار کنند که این مساله خود عامل گسترش بی‌بندوباری در جامعه بوده و مجموع مقتضیات اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و سبب انحراف از مسیر درست زندگی می‌شود. مورد دیگر از مشکلات عدم ثبت نکاح موقت سو استفاده‌های جنسی از بانوان است. در این نوع نکاح مرد تعهدی نسبت به زن ندارد و بر مبنای هوای نفسانی و حس لذت جویی به زنان زیادی روی می‌آورند، که این معضل خود باعث می‌شود که زنان مورد سوء استفاده جنسی قرار گیرند. متأسفانه در نکاح موقت دیدگاه مردان نسبت به زنان دیدگاه مثبتی نبوده و با دید اشیای جنسی به زنان می‌نگرند. یکی دیگر از ایرادات عدم ثبت نکاح موقت آسیب‌های اجتماعی است. ازدواج یک پدیده اجتماعی محسوب شده که رواج آن به صورت موقت و عدم ثبت آن می‌تواند آسیب‌هایی ایجاد کند که این امر، خانواده و افراد جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این شرایط مرد بدون هیچ توجه منطقی و به خاطر خوشگذرانی و میل و خواهش نفسانی با زنان زیادی ارتباط جنسی برقرار می‌کند که این معضل خود نوعی رفتار نامطلوب و در تعارض با اخلاق اجتماعی است. از دیگر آسیب‌های اجتماعی گرایشات جنسی است بیان گردید که عدم ثبت نکاح موقت زمینه ایجاد آسیب و انحراف اجتماعی را فراهم می‌کند. از این رو گرایشات جنسی در زنان و مردان سبب ایجاد تعارضات اخلاقی و فرهنگی در جامعه می‌شود که این رفتار خارج از چارچوب و اصول اخلاقی بوده و یک رفتار هنجارشکن و غیر قابل قبول محسوب می‌شود. بیان گردید که عدم ثبت نکاح موقت، مشکلات و ایراداتی ایجاد می‌کند که اگر این نوع نکاح هم، همانند نکاح دائم ثبت گردد، معایب و مشکلات ایجاد شده کاهش پیدا می‌کند. بنابراین ثبت نکاح موقت، مانع گسترش رابطه نامشروع و زنا می‌شود. چرا که ثبت نکاح موقت می‌تواند عاملی بازدارنده جهت تحقق خیانت‌های جنسی و روابط نامشروع باشد. در نتیجه ثبت نکاح موقت، تعهد اخلاقی ایجاد می‌کند که به تبع آن در کاهش روابط نامشروع و زنا موثر است. همچنین ثبت نکاح موقت از گسترش تنوع طلبی و لذت جویی می‌کاهد. چرا که اگر نکاح موقت ثبت شود زوجین نسبت به یکدیگر تعهد و وفاداری داشته و باعث



می‌شود که از ورود به روابط غیر اخلاقی و پذیرش افراد زیادی جهت لذت جویی ممانعت ایجاد شود. گسترش روابط غیر اخلاقی بر مبنای هوس رانی باعث تزلزل بنیان خانواده می‌شود. بنابراین ثبت نکاح موقت عاملی موثر در جهت جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده، تحکیم و بقای خانواده است. اگر نکاح موقت ثبت گردد اصولاً سوء استفاده جنسی از بانوان کاهش می‌یابد. مردان بر اساس تمتع جنسی و تنوع طلبی با زنان زیادی رابطه جنسی برقرار می‌کنند و بانوان را مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌دهند. در نتیجه در صورت ثبت نکاح موقت، ممکن است مردان بر مبنای تعهد و یا ترس از مجازات، از سوء استفاده جنسی بانوان پرهیز کنند. بنابراین جهت جلوگیری از فرصت طلبان و مردانی که بانوان جامعه را مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌دهند، بهتر است که نکاح موقت ثبت شود تا زمینه جهت اقدام مغرضانه مردان فراهم نشود. ثبت نکاح موقت می‌تواند از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی گسترش یافته در جامعه بکاهد. با توجه به اینکه فرهنگ غالب و عرف مبتنی بر ازدواج دائم است و بسیاری از جوانان به دلیل مشکلات اقتصادی شرایط ازدواج دائم را ندارند به ازدواج موقت روی آورده و این مساله خود سبب انحرافات اخلاقی آسیب‌های فردی و اجتماعی شده و فرد به عنوان یک بیمار اجتماعی در جامعه ظاهر می‌شود. انحرافات اجتماعی به نقش اجتماعی و حقوق و اخلاقیات اجتماعی بستگی دارد. وقتی که جامعه بیمار می‌شود به تبع آن هرج و مرج بی‌نظمی و رفتارهای ضد اخلاقی گسترش می‌یابد، و وقتی اعضای جامعه نتوانند با هنجارها و ارزش‌های جامعه هماهنگ شوند بیماری اجتماعی پدید می‌آید (آقا حسینی و ربانی، ۱۳۸۵). بنابراین عدم ثبت نکاح موقت و آسیب‌ها و گرایشات جنسی که در راستای آن ایجاد می‌شود خود عامل گسترش انحراف و آسیب در جامعه است. در نتیجه ثبت نکاح موقت می‌تواند نسبت به پدیده آسیب و انحرافات اجتماعی نوعی درمانگر باشد و از ارتباط ناسالم و غیر اخلاقی مردان و زنان جلوگیری کند.



نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی دلایل لزوم ثبت نکاح موقت پرداخته شد. ابتدا موضوع عدم ثبت نکاح موقت مورد بحث قرار گرفت و سپس به بررسی مشکلاتی که در پی عدم ثبت نکاح موقت ایجاد شده پرداخته شد. بیان شد که نکاح موقت مربوط به زمان خاصی نبوده و در همه دورانها وجود داشته و از نظر قانونگذار در مواد ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۷ ق.م نکاح موقت مشروع و قانونی است. ولی بدین دلیل که این نوع نکاح به منزله لذت جویی و تنوع طلبی و عموماً به صورت پنهانی صورت می گیرد، بنابراین از نظر اکثریت عرفی چنین نکاحی مقبولیت ندارد. امروزه نکاح موقت در جامعه شایع شده و زنان و مردان بر مبنای هوای نفس وارد رابطه نامشروع شده که این امر مهم وضعیت نگران کننده‌ای به دنبال دارد. چرا که عدم ثبت نکاح موقت و عدم تعهد اخلاقی سبب می شود تا انحرافات و آسیب‌های اجتماعی گریبان گیر جامعه شده و به تبع آن معضلاتی در نظام جامعه به وجود آید. در صورت عدم ثبت نکاح موقت جرایمی از جمله؛ رابطه نامشروع و زنا و همچنین سوء استفاده جنسی و انحرافات اجتماعی گسترش می یابد و تاثیر مستقیمی بر سلامت و روان جامعه می گذارد. وقتی که نکاح موقت صورت گرفته در هیچ دفترخانه‌ای و به صورت هیچ قراردادی ثبت نمی شود، به تبعیت از آن مساله تعهدات هم موضوعیت پیدا نمی کند و این امر مهم می تواند مسائل حیثیتی از جمله؛ فساد اخلاقی، تن فروشی و آسیب روحی را به همراه داشته باشد. علاوه بر آن عدم ثبت نکاح موقت، سبب تزلزل مقام خانواده و یا متلاشی شدن بنیان خانواده‌ها می شود، چرا که انتظار می رود افراد نسبت به همسر و زندگی خود پایبند باشند. یکی از موارد بررسی شده که سلامت جامعه را به خطر می اندازد، موضوع انحرافات جنسی است، که می تواند ارتباط مستقیمی با عدم ثبت نکاح موقت داشته باشد. با نظر به اینکه نکاح موقت ثبت نمی شود طبعاً روابط و انحرافات جنسی در جامعه افزایش یافته که این امر دال بر تشدید آسیب‌ها در جامعه شده و فقدان سلامت جامعه را به دنبال دارد. از این رو در راستای بررسی موضوع ثبت نکاح موقت نتیجه حاصله بدین گونه است که در جهت حفظ مصلحت خانواده و جلوگیری از سوء استفاده‌های جنسی و کاهش جرایم، بهتر است نکاح موقت ثبت گردد، چرا که ثبت نکاح موقت



می‌تواند منجر به کاهش ناامنی جنسی تجاوز جنسی و روابط نامشروع شود و آسیب‌های اجتماعی از جمله فساد و فحشا را در جامعه کاهش دهد. الزام به ثبت نکاح موقت سبب ایجاد تعهد و پایداری نسبت به زندگی و خانواده می‌شود و سطح بی‌بندوباری و تنوع طلبی در جامعه کاهش می‌یابد و بنیان خانواده مستحکم‌تر می‌شود. علاوه بر ایجاد تعهدات و پایداری ثبت نکاح موقت باعث می‌شود که افراد جامعه از مسیر کجروی و انحراف دور شده و زنان جامعه کمتر مورد سوء استفاده جنسی قرار بگیرند. بنابراین الزام به ثبت نکاح موقت، نقش برجسته و انکارناپذیری در کنترل آسیب‌های اجتماعی و تحکیم بنیان و بقای خانواده دارد.



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. آقا حسینی، حسین و ربانی، رسول (۱۳۸۵)، تحلیل و بررسی آسیب‌های فردی و اجتماعی از دیدگاه بزرگان ادب فارسی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز شماره ۲۵ صص ۱۸-۳۰
۳. آیتی، محمدرضا و امینی، علیرضا (۱۳۸۵)، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، جلد ۱، نوبت دهم، نشر کتاب طه.
۴. احمدی فر، رسول و کاکاوند، محمد (۱۴۰۰)، مطالعه و بررسی امکان صدور مجوز تعدد زوجات زوج بعد از تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، دو فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۶، شماره ۷۵، صص ۲۳۵-۲۵۵
۵. اسدی کرم، زهرا (۱۳۹۱)، ازدواج و تشکیل خانواده بررسی مبحث ازدواج و عشق، همایش پیشگامان پیشرفت دوره برگزاری ۱.
۶. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۷)، تحریرالوسیله، محمد باقر موسوی همدانی، ۴ مجلد در یک جلد، نشر دارالعلم.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۳، چاپ اول از دوره جدید، تهران، انتشارات روزنه.
۸. رفیعی، محمد تقی (۱۳۸۹)، نقد و بررسی ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۸



۹. سگالن، مارتین و الیاسی، حمید (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، نشر مرکز، جلد ۱ شماره ۱۷۷.
۱۰. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵)، حقوق خانواده، ازدواج، طلاق و فرزندان، جلد ۱، نشر سازمان سمت.
۱۱. صفایی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۹)، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۷۵)، لغت‌نامه عمید، جلد ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۷)، لغت‌نامه معین، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات معین.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، قانون مدنی در نظم کنونی، چاپ سیزدهم، نشر میزان.
۱۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵)، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، نشر علوم اسلامی.
۱۶. میرکمالی، سید علیرضا (۱۳۹۸)، نقد جرم‌انگاری ثبت نکردن نکاح، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره ۱۲، صص ۳۴۳-۳۶۲.